

An Analysis of the Contradiction in Equating “Ghari” (The Burial Place of Imam Ali (as)) with Sinai

Seyed Javad Khatami*

Seyedeh Somayeh Khatami**

Abstract

The word “Tur” is mentioned at least ten times in the Quran and it reminds us of its sanctity, which makes the events that have taken place there important. But apart from the meaning of the verses and their importance, there are hadiths from the Infallibles (as) that equate the place of the “Tur Sinai” with “Ghari”, despite the fact that, given the fame of the place of Sinai in the opinions of geographers and commentators, and the books of historians, there remains almost no doubt that Sinai is not in Kufa. Now, considering this clarity in knowing the place of Sinai, the question is why in the hadiths of the Infallibles, Sinai is mentioned as the equivalent of the burial place of Imam Ali (as)? The purpose of raising this issue is to investigate the cause of such a strange event and to know its dimensions. Therefore, this article, adopting a citation analysis method, in addition to using the existing library documents, has also referred to geographical maps, satellite images, and archaeological documents. Through examining this issue, it is understood that equating “Ghari” with Sinai, in addition to making the high status of Imam Ali (as) more recognized by the Muslims, can also lead those Christians and Jews who unbiasedly seek knowledge and understanding to know the holy existence of this unique figure, and that means inter-religion peace and friendship.

Keywords: Ghari, Tur Sinai, Peace, Religions.

* Faculty Member, Department of Jurisprudence and Law, Hakim Sabzevari University, Assistant Professor, khatami455@gmail.com

** Faculty Member, Department of Education, Hakim Sabzevari University, Assistant Professor (Responsible Author), shkhatami56@gmail.com

Date received: 2020-0608, Date of acceptance: 2020-10-28

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واکاوی تناقض انطباق «غری» (محل دفن حضرت علی علیه السلام) با طور سیناء

سید جواد خاتمی*

سیده سمیه خاتمی**

چکیده

حداقل ده بار از واژه «طور» در قرآن سخن به میان آمده است و قداست آن را یاد آوری می‌نماید که همین موجب اهمیت حوادث واقع شده در آن می‌گردد. اما گذشته از مفهوم آیات و اهمیت آن، احادیثی از معصومین علیهم السلام وجود دارد که مکان طور سیناء را معادل با «غری» قرار می‌دهد و این در حالی است که با وجود شهرتی که مکان طور سینا در نظرات جغرافیدانان و مفسرین و کتب مورخان دارد، تقریباً شکی باقی نمی‌ماند که طور سینا در کوفه نمی‌باشد. حال با توجه به این وضوح در دانستن مکان طور سینا، سوال اینجاست به چه دلیل در احادیث معصومین علیهم السلام طور سینا معادل محل دفن حضرت علی علیه السلام آورده شده است؟ هدف از طرح این مساله بررسی علت چنین رویداد عجیب و شناخت ابعاد آن می‌باشد. به همین دلیل این مقاله به شکل تحلیلی استنادی، علاوه بر استفاده از آثار کتابخانه‌ای موجود به نقشه‌های جغرافیایی و تصاویر ماهواره‌ای و آثار باستان‌شناسان نیز مراجعه کرده است. در نهایت با بررسی و غور در این موضوع فهمیده می‌شود، معادل‌سازی غری با طور سیناء علاوه بر آنکه موجب شناخته شدن ارزش والای حضرت علی علیه السلام برای مسلمانان می‌گردد، می‌تواند زمینه ساز

* استادیار و عضو هیئت علمی گروه فقه و حقوق، دانشگاه حکیم سبزواری، khatami455@gmail.com
** استادیار و عضو هیئت علمی گروه معارف، دانشگاه حکیم سبزواری، دکتری منابع اسلامی قرآن و نهج البلاغه (نویسنده مسئول)، shkhatami56@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۷

سوق دادن مسیحیان و یهودیان به شناخت وجود مبارک شخصیتی بی‌نظیر گردد که بی‌غرض به دنبال شناخت و فهم بیشتر هستند، و این یعنی صلح و دوستی بین‌ادیانی.

کلیدواژه‌ها: غری؛ طور سیناء؛ صلح؛ ادیان.

۱. مقدمه

این مقاله در جهت پرده برداشتن از اسراری از اهل بیت علیهم السلام که در پس ذکر تنها یک کلمه از قرآن یعنی واژه «طور» می‌توانست وجود داشته باشد، آغاز گردید، اما به دلیل اینکه قبل از انجام این کار سابقه‌های در این باره در تالیفات داخلی یا خارجی وجود نداشت، با آزمون و خطاهای بسیاری مواجه شد، تا بتوان به یک رویه ثابت برای نیل به این مقصود، دست پیدا کرد. با این وجود این مسیر به حول و قوهی الهی و با همراهی اساتید گرانقدری که در این موضوع یاری نمودند آسانتر گردید. اما لازم است در این باره چند نکته بیان گردد.

۱- برای انجام این تحقیق به دلیل اینکه نیازمند بررسی آراء تفسیری، جغرافیایی، و حدیثی از ابتدا تا بهکنون بودهایم، در هر یک از اظهارنظرهایی که در بحثهای تفسیری و جغرافیایی و حدیثی و حتی تاریخی انجام گرفته است، اغلب این آثار از طریق نرم افزارهای موجود به شکل کامل بررسی گردیده، اما در متن به دلیل محدودیتهای نوشتاری فقط در نهایت چند مورد ذکر گردیده است.

۲- هدف اصلی، بیان معارف الهی بواسطه ذکر واژه مذکور در قرآن میباشد، بنابراین مقاله در همین راستا بررسی و تدوین یافته است، و نباید انتظار داشت که فقط به ذکر مناقشات تفسیری یا علوم قرآنی یا جغرافیایی پرداخته شود. و البته به این دلیل که در این مقاله به آثار باستانشناسان نیز نیاز داشتیم، تقریباً در هر موضوع تمام آثاری که در این زمینه تا حد امکان در دسترس بوده است، ارجاع داده شده است.

۳- قرآن کتاب آسمانی و وسیله هدایت انسانها به سوی خداوند است، به همین دلیل هم از روشهای مختلفی برای امر هدایت انسان استفاده مینماید، یکی از مواردی که خداوند متعال از این طریق به هدایت انسان میپردازد، سیر و سیاحت در زمین میباشد، و این در حالی است که در قرآن حکیم به مکانهای بسیاری، اشاره شده است، بنابراین با امر و فرمانی که خداوند متعال به سیر و بازدید میدهد، به نظر میرسد، مکانهایی که خود قرآن ذکر کرده است، میتواند در اولویت بالاتری نسبت به مکانهای دیگر قرار داشته باشد. در

قرآن ارتباط بسیار زیادی با علم جغرافیا مشاهده میشود و این مقاله میتواند این ارتباط را روشتر کند و از جغرافیا برای فهم بهتر قرآن استفاده نماید.

۴- با بررسی این موضوع در کتابهای مختلف، آنچه بیشتر به چشم میخورد، توجه هر کدام از محققان از منظری به این بحث میباشد. در کتابهای تاریخی و قصص الانبیاء بیشترین نگرش روی اعمال مردمانی است که در این مکان میزیستهند و حوادثی که بواسطه آنها در آن برهه از تاریخ رقم خورده است. در کتب تفسیری به شرح و تفسیر آیات مربوط به این قضیه همراه با ضوابط تفسیری پرداخته شده است. در کتابهای جغرافیایی که قدیم به مقتضای هدف آن کتاب به شکل پراکنده به بیان حدود این منطقه پرداخته‌اند.

در تحقیقات داخلی، مطالعاتی در چند سال اخیر در کشور ما به شکل کلی بر روی مکانهای قرآن و حدود جغرافیایی آنها انجام گرفته، نظیر «دانشنامهی اماکن جغرافیایی قرآن مجید» و یا «باستانشناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن» از آقای عبد الکریم بی آزار شیرازی که به بیان مکانهای جغرافیایی قصص قرآن در ضمن بیان قصص میپردازد، و اغلب در بیان حادثه‌ی ایجاد شده و موضوع مطرح شده در آن مکان علاوه بر آیات قرآن به تحقیقات باستان‌شناسان نیز اشاره مینماید. با وجود تحقیقات و تلاشهای بسیاری که فقط بعضی از آنها ذکر گردید، به نظر میرسد، هنوز در مرحلهی ورود به این عرصه به سر میبریم و انجام این تحقیقات منافاتی با این نوشتار ندارد و در واقع بیشتر جنبه مقدماتی دارد، چرا که بیش از هر چیزی نیازمند شناخت درست و مدلل موقعیت جغرافیایی این مناطق بر اساس قرآن و مهمتر از آن، علت نام بردن اماکن مذکور در قرآن به شکل صریح و تاثیر آن در تبیین بیشتر آیات قرآن میباشیم.

در تحقیقات خارجی مقالاتی نظیر «کوه سینا در عربستان سعودی؟» نوشتهی فرانتس جی ویا «کوه سینا جبل اللوز در عربستان سعودی نیست» نوشتهی فرانتس گوردون وجود دارد اما این تحقیقات به دلیل اینکه فارغ از آموزه‌های قرآن و احادیث، انجام گرفته است، گاهی دچار انحراف و یا اختلافات زیادی نیز گردیده‌اند.

۵- بنابراین در راستای رسیدن به هدف مذکور در این مقاله لازم است چند مرحله طی شود:

الف- در ابتدا باید اثبات گردد که واژهی مطرح شده در قرآن نام یک مکان است. آراء مختلف در این مکان با استناد به سخن احادیث و مفسران و جغرافیدانان و حتی باستان شناسان بیان گردد.

ب- سپس با دید بتوان تعارضی که در اماکن مطرح شده در مورد مکان طور در قرآن را بیان کرده اند حل نمود و با توجه به تطبیق شاخصه‌های موجود در قرآن با این مکان و نیز دلایلی دیگر به بیان حدود جغرافیایی مکان مذکور پرداخت.

ج- در مرحله‌ی بعد لازم است علت نامگذاری این مکان و سابقه‌ی تاریخی آن بررسی گردد، و اینکه آیا پیش از نامگذاری توسط قرآن بدین نام نامیده شده بوده است یا نه؟ سپس به شرح علتی که این مکان در قرآن ذکر شده است پرداخته می‌شود

د- با توجه به ویژگی‌های شناخته شده از مکان مذکور و شناخت جغرافیایی بدست آمده از آن مکان به تحلیل و تفسیر پرداخته میشود. بنابراین پس از بررسی موقعیت مکانی طور سیناء و اهمیت آن به این موضوع پرداخته می‌شود که «غری» درست است یا «طور سیناء»؟

۲. بررسی موقعیت مکانی طور سیناء

۱.۲ بیان آیات

بعد از بررسی در تمام آیاتی که واژه «طور» در آن به کار رفته، نکته قابل ذکر و قابل تأمل این است که در هیچ یک از این آیات صراحتاً نوع مکان «طور» مشخص نگردیده است. این آیات شامل موارد زیر می‌باشد:

- وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره/۶۳)

- وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا وَ أَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِسْمَايَا مُرْكُمُ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (بقره/۹۳)

- وَ رَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَ قُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَ قُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَ أَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (نساء/۱۵۴)

- وَ نَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ قَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا (مریم/۵۲)

- يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَ وَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوى (طه/۸۰)

- وَ شَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَ صَبِغٍ لِللَّكَلِينِ (مومنون/۲۰)

- فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (قصص/۲۹)
- وَ مَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَ لَكِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (قصص/۴۶)
- وَ الطُّورِ (طور/۱)
- وَ طُورِ سَيْنِينَ (تین/۲)

۲.۲ «طور سینا» مکانی مشخص

با توجه به اینکه غالب مفسران مکانهای خاصی را به عنوان جایگاه این کوه مشخص مینمایند، (طبرسی، ۱۶۵/۷؛ طبری، ۱۱/۱۸؛ ماوردی، ۳۰۱/۶؛ ابوحیان، ۵۰۳/۱۰). به نظر میرسد که بیان معانی ذکر شده برای «سیناء» با وجود نقش تعیین کننده‌ای که دارد، منافاتی با تعیین مکان این کوه ندارد. به عبارت دیگر کوهی که در منطقیهای مشخص قرار دارد میتواند کوهی باشد مبارک، یا پردرخت یا نیکو و نیز محل دفن حضرت علی (علیه السلام) دارای همان قداستی و بلکه بیشتر از آنچه باشد که «طور سیناء» در آن قرار دارد. روایاتی در بیان این مطلب صراحت دارند، نظیر روایتی که خداوند متعال در آن از حضرت آدم (علیه السلام) میخواهد که خانگی کعبه را بنا نماید و در ساختن آن سنگهایی که از کوه‌های «ابا قبیس (به دلیل نزدیکیاش)، حراء، ثور، طور سیناء و جودی» استفاده نماید. (مجلسی، ۱۹۷/۱۱) در اینجا طور سینا در کنار کوه‌های مشخص دیگری قرار گرفته است که نشان از معین بودن آن نیز دارد.

در این باره سخنی نیز از ابن عباس نقل گردیده است که مراد از «طور سیناء» را مکانی مشخص میدانند (طبری، ۱۸/۱۱) و شاید به همین دلیل هم هست که اهل لغت در تبیین معنای «طور سیناء» حکایت از مکانی مشخص و معین دارند و آن را کوه معروفی میدانند. (فراهیدی، ۳۰۴/۷؛ راغب اصفهانی، ص ۴۳۹).

۳.۲ موقعیت جغرافیایی طور سینا

پس از اینکه متوجه شدیم مراد از طور در قران مکان خاصی است و این تکرار مکرر و سوگند خوردن بر آن موجب اهمیت آن می باشد باید بتوانیم به حل تعارضی که در مورد

حدود جغرافیایی آن بیان می‌گردد پاسخ اقناعی داشته باشیم، بنابراین لازم است نظرات مختلف را در این رابطه بررسی نماییم.

الف: کوهی میان مصر و ایله (پیوست ۱)

ب: کوهی در فلسطین. (پیوست ۲)

ج: کوهی در شام. (پیوست ۳)

د: کوهی است نزدیک مدین (پیوست ۴)

و: کوهی است بین مدین و شام (پیوست ۵)

ه: شهر کوفه (پیوست ۶)

ی: کوه‌های جبل اللوز در عربستان (پیوست ۷)

۱.۳.۲ ترجیح نظر برتر

دانستن چند نکته در این زمینه لازم است:

الف: بیشترین تعارض در نظرات مفسران بین دو احتمال اول (بین مصر و ایله) (طبرسی، ۱۶۵/۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۵/۱۴) و سوم (کوهی در شام) (طبری، ۱۸/۱۱؛ ماوردی، ۳۰۱/۶) می‌باشد.

ب: در منطقه‌ی شام و فلسطین مکانی که شهرتی از طور سینا داشته باشد مشاهده نگردیده است و حتی طبق بعضی روایات، مکان طور سینا متفاوت از فلسطین می‌باشد. بنابراین برای حل این تعارض باید بررسی بیشتری انجام داد. در یافته‌های دقیق‌تر متوجه میشویم، شام یا شامات اصطلاحی تاریخی جغرافیایی بوده که به منطقه‌های کمابیش گسترده در جنوب غرب آسیا، گفته می‌شده که از شمال به رشته کوه‌های توروس، از جنوب به صحرای عرب، از خاور به میانرودان و از باختر به دریای مدیترانه محدود است. این منطقه دربرگیرنده سرزمین‌هایی است که امروزه کشورهای سوریه، اردن، لبنان، فلسطین، قبرس، بخش‌هایی از جنوب ترکیه و شرق مصر در آن جای دارند. گاهی بخش‌هایی از غرب عراق را نیز جزو سرزمین شام به شمار می‌آورده‌اند. (گای لسترنج، ت. ص ۲).

ج صاحب احسنالتقاسیم طور سینا را در لابلاهی سرزمین مصر معرفی می‌کند. وی در این باره چنین می‌گوید:

طور سینا نزدیک قلزم (دریای سرخ) است که از دیهی بنام امن بدان شوند و آن جائی است که موسی، بنی اسرائیل را از آنجا بدر برد، دوازده چشمه گوارا نیز در آنجا است.

از طور تا آنجا دو روز راه است. در آنجا یک دیر مسیحی و کشتزار بسیار و یک درخت زیتون هست که گویند همانست که خدا می گوید: نه خاوری و نه باختری است (نور/۳۵) و زیتون آنرا برای شاهان می برند. (مقدس، ت. ۲۹۹/۱).

یاقوت نیز طور سیناء را در جایی میان مصر و نزدیک ایله (حموی، ؛ ۴۸/۴). میداند. به این ترتیب جغرافیدانان بعد از اینکه بعضی فقط به بیان اختلافات پرداخته اند، (حافظ ابرو؛ ۱۸۵/۱). اما در تعیین موقعیت طور دارای مواضعی نزدیک به هم میباشند، (العمری؛ ۳۶۷/۸؛ بردی، ۲۰۶/۶؛ ابو الفداء، ص ۱۱۷؛ کردی، ۲/ ص ۱۸۴). به عنوان مثال در بعضی نظرات طور سینا بین ایله و قلزم بیان گردیده است، (ابو الفداء، ص ۱۱۷) در مواردی نزدیک ایله (حموی؛ ۴۸/۴). و در مواردی در مصر بیان گردیده است. (کردی؛ ج ۲-۳؛ ص ۱۸۴) گاهی بین خلیج عقبه و خلیج سوئز شناسانده شده است، (صبری پاشا، ؛ ۱۲۵/۵) که در واقع همهی این موارد به یک مکان اشاره دارند. البته نظراتی نیز وجود دارد که در مقابل با نظرات بیان شده قائلین بسیار کمی را به خود اختصاص میدهد، از جمله در مواردی «طور سینا» نزدیک مدین و یا بین مدین و شام بیان گردیده است. (قزوینی، ص ۱۵۷). (پیوست ۴ و ۵) و گاهی نیز در شام بیان شده است. (الحمیری، ص ۳۹۸- المقریزی؛ ۴۳۶/۴).

جمعبندی: با مشاهدگی اینکه بیشتر مفسران قایل به قول اول (بین ایله و مصر) میباشند، و نیز دیدگاه جغرافی دانان نیز در این زمینه به همین قول نزدیکی زیادی دارد، میتوان مراد از شام یا فلسطین و حتی از ایله تا مصر را در کلام مفسرین بسیار نزدیک به هم دانست، چنانکه بعضی از مفسرین با یکی دانستن آنها قایل به قول اول شدهاند (ابن عاشور، ۲۹/۱۸). و بعضی دیگر علاوه بر قبول نظر اول به رد شام به عنوان مکان طور سینا نیز پرداخته اند.

۲.۳.۲ رد وجود کوه طور در عربستان (نظریه رون وایت)

در حل این تعارض به نظریه فردی دیگر بر میخوریم که با شواهدی کوه طور را در عربستان می داند نه در جزیره سینا. در سال ۱۹۷۸ یک باستان شناس کتاب مقدس، به نام رون وایت محل عبور حضرت موسی را با قوم بنی اسرائیل و خشک شدن دریا را بر اثر اعجاز حضرت موسی (علیه السلام) از محل دریای سرخ در خایج عقبه دانست (پیوست ۸) وی چنین استدلال کرد که محل واقعی کوه سینا که در کتاب مقدس (متی حوریب، سفر خروج ۱۰۳) آمده است باید در کوههای اطراف مدین در عربستان سعودی باشد تا در شبه

جزیره سینا در مصر. این کوه بر کوه جبل اللوز که کوه بلندی است و توسط ساکنان آن شناخته شده است منطبق دانسته شده است. بر نظریه رون وایت شواهدی ارائه داده شده است که بخشی از آن شامل موارد زیر می‌گردد:

الف- کشف بقایای ارابه ارتش مصر باستان: در پایین پلی که جزیره سینا را به عربستان اتصال می‌دهد و کم عمقتر به نسبت سایر مکانهاست چرخ ارباهای یافت شده که به دلیل روکشی که از طلا داشته از بین نرفته است و در کنار آن استخوانی از اسب و فسیل استخوان انسان نیز یافت شده است که تعیین قدمت آن از طریق آزمایش کربن امکان پذیر نیست. (بنابراین مکانی که وحی بر حضرت موسی (علیه السلام) نازل گردید باید مکانی پس از شبه جزیره سینا یعنی در عربستان باشد).

ب- شواهدی از یک اردوگاه باستانی در جبل الوز: در پای کوه جبل اللوز در عربستان شواهدی از یک اردوگاه باستانی به نسبت بزرگ است. در این اردوگاه سنگهای بزرگی است که تصاویری از حیواناتی که به عنوان خدایان مصری شناخته شده‌اند بر آن وجود دارد و نیز سنگ تغییر یافته‌ای که در آن گوساله‌ی طلایی توسط قوم بنی اسرائیل مورد پرستش قرار می‌گیرد. (پیوست ۹)

ج- مدارکی از تقسیم سنگ برای خروج آب در جبل اللوز: صخره‌های گرانیته وجود دارد که نشان از برش معجزه‌آسای آن توسط آب است و حاکی از جایی است که حضرت موسی در آن آب آشامیدنی را برای قوم بنی اسرائیل فراهم نموده است. (بیر، مقاله «کوه سینای واقعی یافت شده در عربستان» وایات، مقاله «کوه سینا» خبرنامه ۶ ژانویه ۱۹۹۴) (پیوست ۱۰)

نقد دلایل: همزمان با مطرح شدن این نظریه افرادی این دلایل را رد نمودند. (فاید من، مقاله «بررسی کوه سینا در کتاب مقدس» مجله پژوهشی «کتاب مقدس و تجزیه و تحلیل» ۲۰۰۰م. شماره ۱۳ صص ۱۱۸-۱۱۵. فرانتس جی. مقاله «کوه سینا در عربستان سعودی؟» مجله کتاب مقدس و تجزیه و تحلیل ۲۰۰۰م. دوره ۴ شماره ۱۳ صص ۱۰۱-۱۱۳) یکی از این مقالات ادعای رون وایت را از سه جهت مورد بررسی قرار گرفته است؛ الف؛ از جهت شواهد باستان شناسی.

ب؛ مطابقت با کتاب مقدس.

ج؛ محل عبور قوم بنی اسرائیل از خلیج عقبه یا خلیج سوئز

در بخشی از این مقاله در قسمت مربوط به تطبیق بر کتاب مقدس آمده است: «در رابطه با محراب گوساله طلایی که در جبل اللوز شناخته شده است، باید گفت که واقعیت آن است که موسی نبود کننده گوساله طلایی بود به دلیل اینکه یک بت برای پرستش بوده است حال چگونه ممکن است محراب آن را بجا گذاشته باشد. علاوه بر اینکه در رابطه با نقوش گاوی که در این مکان یافت شده است یک باستان شناس سعودی که تز دکترای خود را در سنگ نگاره‌ها در عربستان سعودی برداشته است به من اطلاع داد که آن نقوش گاو به دوره‌ی نوسنگی بر میگردد که به طور قابل توجهی زودتر از زمان خروج بنی اسرائیل از مصر و سرگردانی در بیابان می باشد.»

نویسنده در پایان این مقاله آورده است: «من معتقدم، این مقاله اثبات خواهد کرد که هیچ شواهد تاریخی، جغرافیایی، باستان شناسی معتبری برای حمایت از اینکه کوه سینا را در عربستان سعودی بدانیم وجود ندارد» (گوردون، مقاله «کوه سینا جبل اللوز در عربستان سعودی نیست» مجله Bible and Spade پاییز ۲۰۰۰)

با وجود آنکه این نظریه در ابعاد مختلف توسط پیروان کتاب مقدس مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است و نقدهایی بر آن وارد نموده‌اند، اما این نظریه در نظر ما به یک دلیل اصلی نیز قابل رد است:

عدم مطابقت با آیات قرآن: با توجه به آیات قرآن در این رابطه فهمیده میشود که تیه (محل سرگردانی قوم بنی اسرائیل) فاقد آب، غذا، و یا منابع غذایی بوده است. و از طرفی منطقه جبل اللوز در نزدیکی مدین در عربستان امروز در همان زمان بر اساس شواهد مطرح شده در آیات قرآن بسیار پر درخت و آباد بوده است چنانکه حضرت شعیب (علیه السلام) همزمان با حضرت موسی (علیه السلام) در منطقه مدین زندگی میکرده است. و «ایکه» مکانی بسیار پردرخت و دارای اموال مالی و منابع اقتصادی فراوان بوده است. بنابراین این اوصاف از منطقه مدین، با علایم مطرح شده از آیات در وادی تیه سازگاری ندارد چرا که ظاهراً حتی در نزدیکی قوم بنی اسرائیل، آب یا منابع غذایی موجود نبوده است که حضرت موسی (علیه السلام) متوسل به اعجاز میگردند، بنابراین با دقت و تأمل در آیات قرآن، این احتمال بسیار ضعیف می باشد که «طور سینا» کوه «جبل اللوز» واقع شده در نزدیک منطقه مدین باشد و البته با وجود اختلاف نظری که در سخن مفسران وجود دارد، هیچ نظری مبنی بر اینکه طور سینا در کوه‌های جبل اللوز در نزدیک مدین در عربستان

سعودی باشد، وجود ندارد و از گذشته‌ی دور، مکان طور سینا به شکل مشهور در بین ایله و مصر یا همان حوالی بیان گردیده است.

۳.۳.۲ رد وجود کوه طور در کوفه:

قبلا بیان شد که از احادیث میتوان استنباط نمود که «طور سیناء» نام کوهی مشخص میباشد اما پس از این، در سایر بررسی‌هایی که در احادیث انجام میگردد نسبت به اینکه این کوه در کجا واقع شده است، اشارهای موجود نیست. تنها حدیثی که به شکلی اشارهای به مکان طور سینا دارد، سخنی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که میفرماید: «خداوند متعال از شهرها چهار شهر را برگزید و فرمود: «سوگند به انجیر و زیتون و طور سینا و این شهر امن» انجیر، مدینه و زیتون، بیت المقدس و طور سینین، کوفه و بلد الامین، مکه است...» در این حدیث مکان «طور سینا» نه به نام یک کوه بلکه به نام یک شهر و نه در مکانهایی که شهرتی در «طور سینا» داشته‌اند بلکه در کوفه بیان شده است. حدیثی دیگر نیز نزدیک به این مضمون وجود دارد، که در آن حضرت علی (علیه السلام) در وصیت به محل دفن خود، فرمودند: «وقتی من از دنیا رفتم، مرا به پشت کوفه ببرید و هر کجا که دیدید قدم هایتان حرکت نمیکند و بادی میوزد، مرا همانجا دفن کنید. آنجا اول طور سینا است که حضرت موسی (علیه السلام) در آنجا به مناجات با خدا پرداخت.»

با وجود شهرتی که مکان طور سینا در نظرات جغرافیدانان و مفسرین و کتب مورخان دارد، تقریباً شکی در این باقی نمیماند که منطقه طور سینا در کوفه نمیباشد، علاوه بر اینکه عقل نیز موید آن است که مکانی که حضرت موسی (علیه السلام) در هنگام برگشت از مدین به سمت مصر به پیامبری برگزیده شد، در کوفه نباشد چرا که جهت آن کاملاً مخالف با جهت حرکت حضرت موسی (علیه السلام) به سمت مصر میباشد، بنابراین آنچه در اینجا به نظر قابل فهم است آن است که، یادآوری نام کوفه برای تعیین موقعیت جغرافیایی طور سینا نیست، بلکه علت، مطلب دیگری است.

۴.۲ نتیجه‌گیری

بنابراین با بیان مطالب گذشته، منطقه‌ی بین ایله و مصر به سخن قرآن، نزدیکتر و مطابقت بیشتری با دیدگاه‌های بیان گردیده، دارد. اطلسهای جغرافیایی نیز «طور سینا» را در همین محدوده نشان میدهد. (پیوست ۱۱) «سیناء» صحرايي مثلثي شکل است، که از طرف شمال

با دریای مدیترانه (متوسط) از طرف غرب با کانال سوئز و از طرف جنوب با دریای سرخ و از طرف شرق با خلیج عقبه (ایله) محدود شده است. این صحرا شامل بر کوههایی میشود، نظیر؛ کوه طور، کوه مناجات، کوه صفصافه، کوه سربال، کوه حمام موسی و غیر آن که مشهورترین آن «طور سیناء» میباشد و به همین علت کل جزیره به این نام نسبت داده شده است. (مصطفوی، ۲۹۳/۵).

۳. کلید حل تناقض وجود کوه طور در «غری» یا «جزیره سینا»

پس از تثبیت موقعیت جغرافیایی طور سینای نام برده در قرآن لازم است به بررسی و حل این تناقض در مکان نام برده در روایات و مکان یافت شده در قرآن پردازیم. به واقع این موضوع باید دارای اهمیت زیادی باشد که چنین مکانی با این همه وضوح در موقعیت جغرافیایی آن به چه دلیل در احادیث معتبر و مستند ما به «غری» تعبیر شده و البته این مطلب نیز واضح است که امامان معصوم علیهم السلام نیز به موقعیت جغرافیایی طور سینا در ما بین ایله و مصر اطلاع و اشراف داشتهاند و باز در سخن خود چنین فرمودهاند.

۱.۳ «غری» کجاست؟

«غری» نام موضعی است در یک فرسنگی کوفه که اکنون شهر نجف، مدفن امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در آنجاست. (مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ۱/۶۵) روایت شده که جنازه امیر المؤمنین بسوی مسجد سهله منتقل شد و در آنجا شتری یافته شد که خوابیده بود، پس جنازه آن بزرگوار را بر پشت شتر نهاده آن را از جای خود بلند کردند و بدنبال آن شتر رفتند، همین که آن شتر در «غری» (نجف اشرف) توقف کرد و خوابید در همان مکان گودالی کنده شد و قبر کنده‌ای پیدا شد، پس جنازه حضرت علی (علیه السلام) طبق وصیتی که کرده بود در آن قبر دفن گردید جنازه حضرت آدم و حضرت نوح و علی بن ابی طالب (علیهم السلام) در یک قبر قرار دارد. برداشتن جنازه امیر المؤمنین و بخاک سپردن آن حضرت در شب انجام گرفت، غیر از امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) کسی متصدی غسل و کفن آن بزرگوار نشد. (مسعودی، اثبات الوصیه، ۲۸۰)

احادیث موجود در رابطه با «غری» و «طور سینا» به انحاء مختلفی به این موضوع اشاره

دارد :

الف- طور سینا همان کوفه است:

سخنی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که میفرماید: «خداوند متعال از شهرها چهار شهر را برگزید و فرمود: «سوگند به انجیر و زیتون و طور سینا و این شهر امن» انجیر، مدینه و زیتون، بیت المقدس و طور سینین، کوفه و بلد الامین، مکه است...» (حر عاملی، ۳۶۱/۱۴).

ب- «غری»؛ قطعه ای از طور سینا:

امام صادق (علیه السلام) در رابطه با «غری» میفرماید: آن قطعه‌ای از کوهی است که حضرت موسی (علیه السلام) در آن با خدا سخن گفت، بر آن عیسی (علیه السلام) را مقدس شمرد و ابراهیم (علیه السلام) را خلیل خود کرد و محمد (صلی الله علیه و آله) را حبیب خود قرار داد و آنجا را مسکن انبیاء قرار داد پس به خدا سوگند بعد از پدران طیبین این امت آدم و نوح (علیهم السلام) کسی گرامی تر از امیرالمومنین (علیه السلام) در آن ساکن نشد. (فیض کاشانی؛ ۳۹۷/۳).

ج- محل دفن حضرت علی (علیه السلام) اول طور سینا:

امام باقر (علیه السلام) میفرماید: جدم حضرت علی (علیه السلام) وصیت کرد که وقتی من از دنیا رفتم، مرا به پشت کوفه ببرید و هر کجا که دیدید قدم هایتان حرکت نمی‌کند و بادی می‌وزد، مرا همانجا دفن کنید. آنجا اول طور سینا است که حضرت موسی (علیه السلام) در آنجا به مناجات با خدا پرداخت. (طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۴/۶؛ حر عاملی؛ ۳۷۷/۱۴).

۲.۳ بررسی دلایل معادل سازی «غری» با طور سینا

اگر بخواهیم به بررسی دلایل معادل قراردادن محل دفن حضرت علی علیه السلام و کوه طور در جزیره سینا پردازیم لازم است ابتدا به بررسی ارزش و اهمیت طور سینا در قرآن و کتاب مقدس میان ادیان مسیحی و یهودی پردازیم.

۱.۲.۳ اهمیت طور سینا در کتاب مقدس

نام «سینا» در زمانهای مختلف در کتاب مقدس ذکر شده است و در تورات به دفعات دیده میشود (خروج ۱۶: ۲۴؛ ۱۹: ۲۳؛ ۱۹: ۲۰؛ ۱۹: ۱۸؛ ۱۹: ۱۱؛ ۱۹: ۱۱-۹۹۲۴؛ ۱۹: ۲؛ ۱۶: ۱؛ ۱۹: ۱؛ لایوان ۳۸: ۰۷؛ ۲۵: ۱) که در موارد زیادی به شکل «کوه سینا» به کار رفته است.

البته هرگز کلمه «طور» در آن نیامده، در حالی که در قرآن کریم فقط ده بار کلمه طور آمده و با توجه به دلایلی که گفته شد، مراد از آن، همان طور سینا میباشد، که این خود علتی دیگر دارد.

در قاموس کتاب مقدس آمده است:

از آیات تورات بواضحی معلوم میشود که قبل از آنکه بنی اسرائیل در آن محل وارد شوند و هم بعد از آنکه از آنجا مسافرت اختیار نمودند لفظ حوریب برای کوه خداوند استعمال شده است. در مدت اقامت بنی اسرائیل در آن سرزمین است که لفظ سینا برای همان کوه استعمال میشد. (هاکس، جیمز، ص ۴۹۸)

و البته این مکان از قبل از آن نیز دارای اهمیت بوده است، اولین باری که در طول تاریخ میتوان پی به اهمیت این مکان برد، از زمان حضرت آدم (علیه السلام) و ساخته شدن خانه کعبه میباشد، که برای ساخته شدن خانه کعبه دستور به استفاده از سنگهایی از مکانهای مختلفی از جمله طور سینا گردیده است. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱/۱۹۹) دلالت بر آن دارد که طور سینا از قبل از زمان حضور حضرت موسی (علیه السلام) نیز علاوه بر معین بودن، دارای علو مکانی بوده است.

کوهی در این منطقه وجود دارد به نام «سرایط الخادم» که در محل جنوب غربی شبه جزیره سینا قرار دارد و از آن در دوران باستان فیروزی گستردهای استخراج میشده است، معبدی به نام «هاتور-الهه مصری» در آن قرار دارد که حتی گفته میشود که حضرت موسی (علیه السلام) از این کوه ده فرمان را از خدا دریافت کرد. (Eckenstein, A History of Sinai 1921) اهمیت شبه جزیره سینا از نظر تاریخی همیشه نتیجهای از طبیعت آن به عنوان یک مسیر حمل و نقل از آسیا به آفریقا و بالعکس بوده است. (دانشنامه جودائیکا: Sinai سینا) چنانکه قرار بود قوم بنی اسرائیل هم از این مکان فقط به عنوان مسیری برای رفتن به سرزمین مقدس استفاده نمایند، که منجر به توقف چهل ساله در آن مکان گردید، اما اهمیت طور سینا در کلام تاریخ نگاران مسلمان (یعقوبی، ۳۸۱؛ بلعمی، ۲۸۲/۱) با حضور حضرت موسی (علیه السلام) و قوم بنی اسرائیل و آن سرگردانی چهل روزه شروع میشود. که به شرح وقایع طور سینا نظیر نبوت حضرت موسی (علیه السلام) و سایر وقایع پرداخته میشود. این مکان امروزه در مصر، مکانی مشهور برای افرادی است که به دنبال مشاهدگی آثاری از حضرت موسی (علیه السلام) در طور سینا هستند. صومعهای در پای کوه سینا وجود دارد که در قرن ششم میلادی توسط امپراطوری روم شرقی ساخته شده است و به

نام صومعهی سنت کاترین معروف است (پیوست ۱۲). و محلی در آن هست که حکایت از مکانی دارد که حضرت موسی (علیه السلام) عصای خود را به آن زده و دوازده چشمه از آن جاری گردیده است. (پیوست ۱۳)

۲.۲.۳ ارزش طور سینا در قرآن

هرچند میزان ارزش طور سینا در قرآن از طریق آیاتی که واژه «طور» در آن به کار رفته و یا سوگند خورده شده قابل فهم است اما بررسی حوادث واقع شده در آن نیز بر این اهمیت و ارزشمندی میافزاید این حوادث شامل:

الف- مبعوث شدن حضرت موسی علیه السلام: اولین اتفاق مهم در رابطه با طور سینا مربوط به دوران جوانی و هنگام بازگشت حضرت موسی (علیه السلام) از مدین به مصر میباشد. در این هنگام که با توجه به مضمون آیات قرآن (طه/۱۰)، حضرت موسی (علیه السلام) با خانواده خود در شبی سرد راه را گم کرده‌اند، آتشی را از دور میبیند. وقتی به سمت آن آتش که از طور سینا است، می‌رود خداوند جل و علی ایشان را مورد خطاب قرار می‌دهد و برگزیده شدن به پیامبری را بیان می‌فرماید.

ب: نزول تورات: دومین حادثه مهم در طور سینا که پس از مدتها از آغاز نبوت اتفاق می‌افتد، پس از عبور از قوم بنی اسرائیل از دریا و حضور در صحرای سینا، میباشد. حضرت موسی (علیه السلام) مامور رفتن به کوه طور میگردند که ثمره آن نزول تورات میباشد.

ج: قرار گرفتن کوه طور بر سر قوم بنی اسرائیل: سومین حادثه مهم و معجزه آسا در کوه طور که گاهی منجر به رد یا توجیه آن نیز گردیده، که چهار بار خداوند متعال آن را تکرار فرموده، برافراشته شدن کوه طور بر سر قوم بنی اسرائیل است. (بقره/۶۳ و ۹۳ نساء/۱۵۴ اعراف/۱۷۱) بعد از اینکه خداوند متعال تورات را بر حضرت موسی (علیه السلام) نازل میفرماید، از بنی اسرائیل پیمان میگیرد که به آن عمل کنند، اما آنها به بهانهی سخت بودن تکالیف، بنای نافرمانی و سرکشی میگذارند و خداوند قادر متعال، کوه طور را برای نشان دادن عظمت الهی و ملتزم شدن به برنامه صحیح، بالای سر آنها قرار میدهد.

د- وجود درختی نافع: از دیگر علل اهمیت طور سینا به دلیل وجود درختی در آن میباشد، که در این کوه روئیده میشود. از میوهی این درخت روغنی بدست می‌آید، که بسیار نافع است. خداوند متعال در آیات از سوره مومنون میفرماید: « وَ شَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَ صَبْغٍ لِلْكَالِبِينَ » و نیز درختی که از طور سینا می‌روید و از آن روغن و نان

خورش برای خورندگان فراهم می‌گردد.» (مومنون/۱۹-۲۰) مفسران (طوسی، ۳۹۷/۷-ابو الفتوح، ۱۴/۱۴-طبرسی، ۱۶۵/۷). نام این درخت را زیتون نقل کرده‌اند.

۴. امیر المومنین علی (علیه السلام) جمع‌کننده تمام ارزشها

با بررسی و تحلیل مطالب بالا آنچه به وضوح مشهود بود، اهمیت و ارزش طور سینا در نزد طرفداران کتاب مقدس و بخصوص قرآن حکیم بود و این ارزش مندی دارای ابعاد مهم زیادی بود که بررسی هر بعد خود، تفصیلی جدا می‌طلبد، با این وجود دیدیم که پیامبر اکرم و اهل بیت ایشان علیهم السلام اصرار بر آن دارند که به شکلی قرابت بسیار زیادی بین طور سینا و محل دفن حضرت علی علیه السلام برقرار سازند. علت این قرابت با بررسی مطالب بالا روشتر گردید، در واقع همه می‌دانیم که خدای متعال در قرآن کریم به دلایلی به شکل صریح از وجود مبارک امیر المومنین (علیهم السلام) نامی نمیبرد اما با بیان اموری به ذکر مقام والای ایشان می‌پردازد که یکی از این امور بسیار بااهمیت می‌تواند، آوردن واژه طور و یا طور سیناء به دفعات و ذکر اهمیت آن (که از جمله مهمترین آنها نزول وحی بر حضرت موسی علیه السلام) در قرآن و سپس تخصیص دادن تنها یک مکان در احادیث معادل آن مکان پرارزش است و آن مکان نیست جز مکان مناجاتهای حضرت علی علیه السلام و محل دفن ایشان.

احادیث گوی می‌خواهد چنین بیان نماید که محل دفن و مناجاتهای حضرت علی (علیه السلام) از زمان حضرت آدم علیه السلام دارای ارزش بوده ارزشی نظیر مکان آغاز رسالت حضرت موسی علیه السلام و نزول تورات دارد و تمام منافع آن درخت پر برکت در او جمع است و البته ارزش هر مکانی به ارزش فاعل آن مکان بستگی دارد و گرنه خود مکان که به خودی خود ارزش ندارد پس بازگویی می‌خواهد بیان نماید که مقام امیر المومنین علی علیه السلام جمع‌کننده تمام ارزشهایی است که این مکان به خود اختصاص داده است و البته اگر ما بخواهیم حضرت علی علیه السلام را به پیروان کتب مقدس معرفی نماییم چه واسطه ای بهتر و ارزشمندتر از طور سینا می‌توانیم برای آنها پیدا نماییم.

در میان ادیان ابراهیمی آنچه بسیار برای آنها مهم می‌باشد مکانی است که امروز طور سیناء نامیده می‌شود امروزه به کرات شنیده می‌شود که باستان شناسان به دنبال یافتن این مکان باستانی و پیدا کردن نشانه‌هایی از حضرت موسی علیه السلام هستند محققان و باستان شناسانی که سالها وقت خود را برای یافتن علامت‌هایی از این مکان مقدس به خود

اختصاص داده اند نشانی از اهمیت والای این مکان حتی برای طرفداران امروز کتاب مقدس و مسیحیان و یهودیان فعلی دارد. معادل سازی غری با طور سیناء علاوه بر آنکه می تواند موجب شناخته شدن ارزش والای حضرت علی (علیه السلام) برای مسلمانان گردد، می تواند زمینه ساز سوق دادن مسیحیان و یهودیان به شناخت وجود مبارک شخصیتی بی نظیر گردد، میتواند زمینه نزدیکی قلوب مسلمانان و یهودیان و مسیحیانی را که بی غرض به دنبال شناخت و فهم بیشتر هستند را فراهم نماید و این یعنی صلح و دوستی بین ادیان

۵. نتیجه گیری

«غری» نام موضعی است در یک فرسنگی کوفه که اکنون شهر نجف، مدفن امیرالمومنین علی (علیه السلام) در آنجاست که در احادیث مطرح شده از معصومین (علیهم السلام) معادل طور سیناء بیان شده است و این در حالی است که بر اساس دلایل و شواهد موجود هرگز نمیتواند طور سیناء نام برده در قرآن «غری» باشد. در واقع در بررسی موقعیتهای احتمالی بهترین گزینه این است که مکان طور سینا مطابقت بیشتری با مکان بیان شده بین ایله و مصر دارد، و موارد دیگر که شامل کوهی در عربستان، کوفه و فلسطین دارد رد میگردد. بنابراین مکان «طور سینا» را میتوان همان مشهورترین کوه در صحرای سینا دانست که به دلیل وجود این کوه، کل جزیره به این نام نسبت داده شده است.

اما در حل این تناقض که چرا با وجود آنکه مکان طور سینا مکان مبرهن و مشهوری حتی در زمان ائمه معصومین علیهم السلام بوده است باز در احادیث به انحاء مختلف این مکان محل دفن حضرت علی علیه السلام بیان گردیده این مهم فهمیده میشود که اگر چه خدای متعال در قرآن به دلایلی به شکل صریح از وجود مبارک امیرالمومنین (علیهم السلام) نامی نمیبرد اما با بیان اموری به تبیین مقام والای ایشان میپردازد که یکی از امور بسیار بااهمیت آن ابتدا آوردن واژه طور و یا طور سیناء به دفعات می باشد. احادیث گویی میخواهد چنین بیان نماید که محل دفن و مناجاتهای حضرت علی (علیه السلام) از زمان حضرت آدم علیه السلام دارای ارزش بوده ارزشی نظیر مکان آغاز رسالت حضرت موسی علیه السلام و نزول تورات دارد و تمام منافع آن درخت پر برکت در او جمع است و البته ارزش هر مکانی به ارزش فاعل و فعل انجام گرفته در آن مکان بستگی دارد و گرنه خود مکان که به خودی خود ارزش ندارد پس بازگویی میخواهد بیان نماید که مقام امیر المومنین علی علیه السلام جمع کننده تمام ارزشهایی است که این مکان به خود اختصاص

واکاوی تناقض انطباق «غری» ... (سید جواد خاتمی و سیده سمیه خاتمی) ۴۳

داده است و البته اگر ما بخواهیم حضرت علی علیه السلام را به پیروان کتب مقدس معرفی نماییم چه واسطه ای بهتر و ارزشمندتر از طور سینا می توانیم برای آنها پیدا نماییم و همین موجب نزدیکی قلوب مسلمانان و یهودیان و مسیحیانی است که بی غرض به دنبال شناخت و فهم بیشتر تعالیم وحی می باشند.

پیوستها



پیوست ۱- موقعیت احتمالی طور سینا بین مصر و ایله. تهیه شده از google.earth

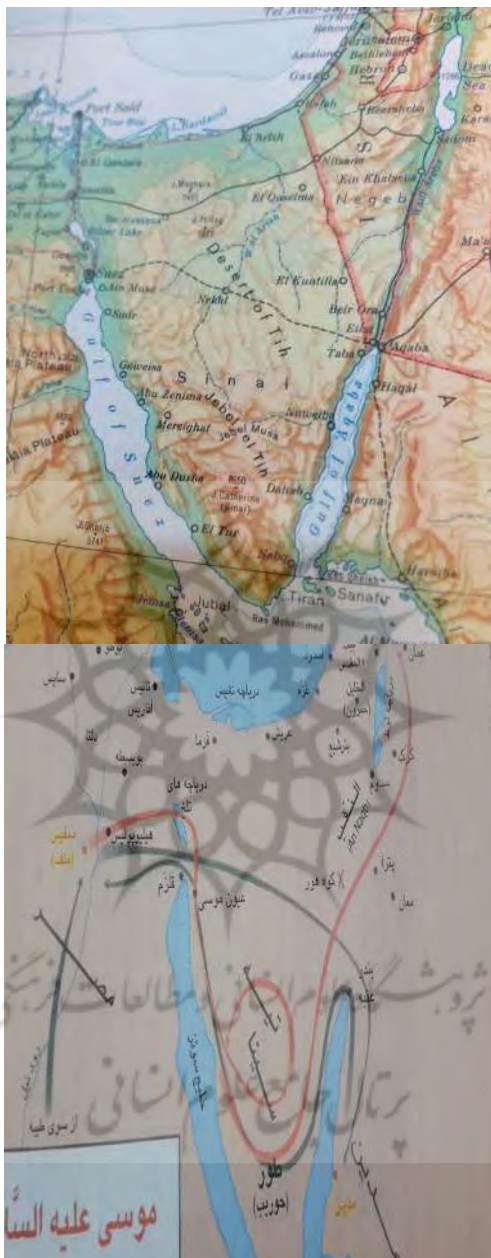
پرتال جامع علوم انسانی



پیوست ۲- موقعیت احتمالی طور سینا در فلسطین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واکاوی تناقض انطباق «غری» ... (سید جواد خاتمی و سیده سمیه خاتمی) ۴۵



پیوست ۱۱-موقعیت کوه سینا در اطلس جغرافیایی جهانی و اطلس قرآن (ابوخلیل، شوقی، اطلس قرآن، ص ۸۰)



پیوست ۱۲ تصویر اصومعه سنت کاترین در پای کوه سینا — <http://discoversinai.net/english/tourist-information/sinai-maps>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واکاوی تناقض انطباق «غری» ... (سید جواد خاتمی و سیده سمیه خاتمی) ۴۷



تصویر ۲- صومعه سنت کاترین در پای کوه سینا ساخته شده در قرن شش میلادی از جهتی دیگر -

<http://discoversinai.net/english/tourist-information/sinai-maps>



پیوست ۱۳ <http://discoversinai.net/english/tourist-information/sinai-maps> جایگاه ایجاد دوازده چشمه

در سرزمین سینا -



پیوست ۳- موقعیت احتمالی طور سینا - کوهی در شام google.earth



پیوست ۴- موقعیت احتمالی طور سینا - نزدیک مدین google.earth

واکاوی تناقض انطباق «غری» ... (سید جواد خاتمی و سیده سمیه خاتمی) ۴۹



پیوست ۵-موقعیت احتمالی طور سینا -کوهی بین مدین و شام google.earth



پیوست ۶-موقعیت احتمالی طور سینا -کوهی در کوفه google.earth

۵۰ پژوهش‌نامه علوی، سال یازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹



پیوست ۷- موقعیت احتمالی طور سینا- جبل اللوز در عربستان google.earth



پیوست ۸- مسیر عبور قوم بنی اسرائیل از مصر تا جبل اللوز (مکان احتمالی طور سینا)

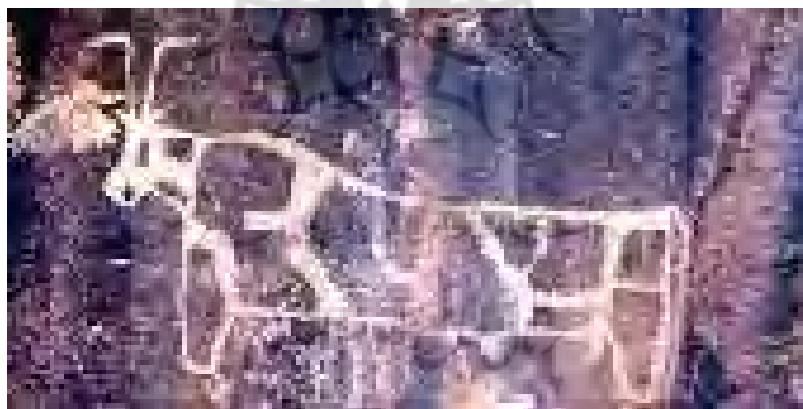
http://www.arkdiscovery.com/mt_sinai_found.htm

واکاوی تناقض انطباق «غری» ... (سید جواد خاتمی و سیده سمیه خاتمی) ۵۱



پیوست ۹ تصویر ۱-ده تخته سنگ غول پیکر در منطقه اردوگاه انباشته شده اعتقاد بر این است گوساله طلایی بر این سنگ ها قرار داده شد. محراب های بزرگ در دو طرف شرق و غرب کوه پیدا شده است

http://www.arkdiscovery.com/mt_sinai_found_part_2.htm



تصویر ۲- سنگ نگاره های مصر باستان از گاو نر.



پیوست ۱۰- تقسیم معجزه‌های سنگ غول آسا برای خروج آب آشامیدنی
http://www.arkdiscovery.com/mt_sinai_found_part_2.htm

کتاب‌نامه

قرآن

آلوسی، محمود بن عبد الله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه. ۱۴۱۵ق.
ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، دار بیروت، ۱۳۸۵/۱۹۶۵.
ابن بابویه، محمد بن علی، ۳۸۱ق، التوحید، ترجمه. اردکانی، محمد علی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة. بی‌تا.

----- الخصال، ترجمه مدرس گیلانی، مرتضی، تهران، انتشارات

جاویدان، ۱۳۶۲.

ابن بطوطه، شمس الدین؛ رحله ابن بطوطه (تحفه النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار). تهران، آگه، ۱۳۷۶.

ابن حوقل، ۳۳۷ق، ابو القاسم محمد بن حوقل النصیبی، صورة الارض، بیروت، دار صادر، ۱۹۳۸ م.

واکاوی تناقض انطباق «غری» ... (سید جواد خاتمی و سیده سمیه خاتمی) ۵۳

ابن خلدون، عبد الرحمن، مقدمه ابن خلدون، ت. محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگ، ۱۳۷۵

ابن درید، محمد بن حسن، ۳۲۱ق، جمهره اللغة، بیروت، دار صار، ۱۳۴۵.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام)، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.
ابن عطیة اندلسی، عبد الحق، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، تحقیق: عبد السلام عبد الشافی، لبنان - دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۳ - ۱۹۹۳ م.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، قرن ۸، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹.

ابن منظور، محمد بن مکرم، ۷۱۱ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر، بی تا.

ابو الفداء، اسماعیل بن علی، ۷۳۲ ه. ق، تقویم البلدان، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیة، ۲۰۰۷ م.

ابوالفتوح رازی؛ حسین بن علی، قرن ۶، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن؛ بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.

بردی، جمال الدین، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، وزارة الثقافة والإرشاد القومي، مصر، دار الکتب، ۱۴۱۳ ه.

بلخی، بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، دار إحياء التراث، بیروت، ۱۴۲۳ ق.

جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۴.

حافظ ابرو، شهاب الدین عبد الله خوفاي، جغرافیای حافظ ابرو، تهران-ایران، میراث مکتوب، ۱۳۷۵ ش.

حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریع، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

حموی بغدادی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م.

حموی بغدادی، یاقوت، معجم البلدان، ترجمه، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۳ ش.

دانشنامه جودائیکا، انتشارات بریل، ۱۹۹۲، Sinai سینا <http://www.jewishvirtuallibrary.org>

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ق، بیروت-دمشق، دار القلم-الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.

شعرانی، ابوالحسن، قریب - محمد. نثر طوبی، دائرهالمعارف لغات قرآن مجید، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۸۰.

شوقی، ابو الخلیل، اطلس قرآن، ت. محمد کرمانی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹.

صبری پاشا، ایوب، موسوعه مرآة الحرمين الشریفین و جزیره العرب، قاهره، دار الافاق العربیة، ۱۴۲۴ ه. ق
طباطبایی، سید محمد حسین، میزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه، ۱۴۱۷ ق.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، فضل الله، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.

طبری، محمد بن الجری، جامع البیان، ترجمه شاکر، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۶ ش. بلعمی، تاریخ الأمم و الملوک، (م ۳۱۰)، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية، ۱۹۶۷/۱۳۸۷.

طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: عاملی، احمد حبیب، بیروت، دار احیاء التراث العربیه، بی تا.

فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق. فرانتس جی. مقاله «کوه سینا در عربستان سعودی؟» مجله کتاب مقدس و تجزیه و تحلیل ۲۰۰۰م دوره ۴ شماره ۱۳ صص ۱۰۱-۱۱۳

فرانتس گوردون، مقاله «کوه سینا جبل اللوز در عربستان سعودی نیست» مجله Bible and Spade پاییز ۲۰۰۰

لسترنج، گای، کتاب جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، بین النهرین، ایران و آسیای مرکزی از زمان فتوحات مسلمین تا ایام تیمور، ت. محمود عرفان، تهران، ناشر فارسی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷ ش.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، رسولی محلاتی، هاشم، دار الکتب الإسلامیة، تهران ۱۴۰۴ ق

مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز نشر آثار العلامة المصطفوی، ۱۳۸۵. مقدسی، محمد بن أحمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ت. علینقی منزوی، تهران، شرکت مولفان و مترجمان، ۱۳۶۱

مکارم شیرازی، ناصر، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، مدرسه امام علی بن ابی طالب، قم، ۱۴۲۱ ق. هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷ ش.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب م بعد ۲۹۲، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، بی تا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی